شماره هفت

پیام قطعنامه

و پیام تشکیل بسیج دانشجو و طلبه







www.edalatkhahi.ir

سخن هفتم ...

قسمت اول:

قطعنامه ۵۹۸، هشتمین قطعنامه ای بود که شورای امنیت سازمان ملـــل، از ابتدای تجاوز علنـــی رژیم بعثی عراق، صـــادر کرده بود. جمهوری اسلامی ایران همه قطعنامه های قبلی را به دلیل جهت گیری ناعادلانه آنها رد کرده بود، اما در ابتدای صدور قطعنامه ۵۹۸، به دلیل برخی نکات مثبتی که در آن گنجانده شده بود، اعلام کرد که ایران جای بحث و مذاکره را در این قطعنامه میبیند و آن را نه رد کرد و نه قبول؛ ولی سرانجام در تاریخ ۲۷تیر ۱۳۶۷، جمهوری اسلامی ایران این قطعنامه را پذیرفت.

جزوه پیش رو پیام حضرت امام اســـت خطاب به ملت ایران، که در اولین سالگرد کشتار خونین حجاج صادر شده و حضرت امام در این پیام، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط جمهوری اسلامی ایران را اعلام میدارد. پذیرشی که البته توســـط ایشان به «سرکشیدن جام زهر» تشبیه شده. تعبیری که خود گویای نارضایتی عمیق حضرت امام از این مسئله، و تحمیل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به ایشان توسط عده ی دیگری است.

آنچه اغلب در بررسی پیام قطعنامه از آن غفلت شده، این است که اغلب این پیـــام را منحصر به جنگ می کنند! در حالی که این پیام اتفاقی بسیار مهم در تاریخ انقلاب اسلامی است. پیامی که بیشتر از

آنکه ناظر به گذشـــته باشد، معطوف به آینده است. امام در این پیام تاریخـــی، پس از اعلام پذیرش قطعنامه، آغاز جنگ جدیدی را برای فرزندان انقلابی خود اعلام میدارد:» امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار، و جنگ پابرهنه‌ها و مرفهین بی‌درد شروع شده اســـت و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته‌اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده‌اند می‌بوسم.»

خمینی کبیر در این پیام که بیشتر ناظر با آینده انقلاب اسلامی است تا گذشته آن به همگان تاکید میکند: "ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم.»

بر همگان لازم اســـت تا با مطالعه چندباره پیام قطعنامه، در همان مسیر مبارزاتی حضرت امام گام بردارند.

قسمت دوم:

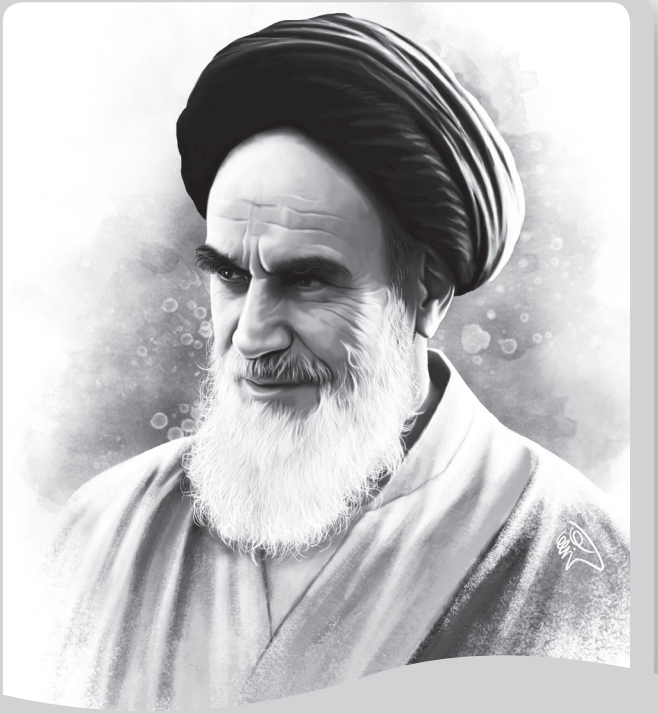
در استراتژی مبارزاتی امام، نهضت ادامه دارد و حتی برای یک لحظه هم نباید متوقف بماند. در استراتژی امام، «تا شرک و کفر هست مبارزه هست و تا مبارزه هست ما هستیم». امام با آسیب شناسی حرکت های اصلاحی یکصد سال گذشته ، از جمله مشروطه و نهضت ملی شدن صنعت نفت، به خوبی میدانست که اگر پس از حصول اهداف اولیه، اهداف بالاتری برای جامعه ی انقلابی تعیین نشـــود، رکود حاصله،

بهترین فرصت برای ارتجاع به دوران پیشـــین و اجرای حرکت های ضد انقلابی را فراهم خواهد ســـاخت. لذاست که پیر جماران پس از پیروزی بر «استبداد» و دستیابی به هدف اولیه، تسخیر لانه جاسوسی آمریکا را «انقلاب دوم» نامید، و با این نامگذاری، ضمن جلوگیری از درجازدگی جامعه، نهضت را از مرحله مبارزه با «استبداد» به مرحله مبارزه با «استکبار» ارتقاء داد.

امام در تمام دوران نهضت نیز همین استراتژی را پیش گرفت. لذاست که بلافاصله پس از پذیرش قطعنامه، اجازه توقف مبارزه را نمیدهد، و جنگ دیگری را برای جامعه ی انقلابی هدفگذاری مینماید:» امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ اســـتضعاف و استکبار، و جنگ پابرهنه‌ها و مرفهین بی‌درد شـــروع شده است و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته‌اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده‌اند می‌بوسم.»

این قسمت شامل فرمان تشکیل بسیج دانشجو و طلبه توسط حضرت امام اســـت. پیر جماران تنها چند ماه پـــس از آغاز جنگ فقر و غنا، طی پیامی، فرمان تاســـیس بسیج دانشجو و طلبه را صادر مینماید که این، خود به خوبی گویای رســـالت سنگین این نهاد و ماموریت اصلی آن است. نهادی که رسالتش، مبارزه در جنگ فقر و غناست، و بسیجیانی که چنین رسالت سنگینی را بر دوش دارند.

اتحادیه جنبش عدالتخواه دانشجویی



قبـــول قطعنامـــه ۵۹۸ و پذیـــرش جـــام زهر

پیام امام(ره) به ملت ایران در سالگرد کشتار خونین مکه

بسم‌اللّه‌الرحمن‌الرحیم

" لقد صدق اللّه رسـوله الرءیا بالحق لتد خلن المسجد الحرام ان شاءاللّه آمنین ".[1] علیرغم گذشت یك سال از کشتار فجیع و بی رحمانه حجاج بی دفاع و زائران مؤمن و موحد به وسیله نوکران امریکا و سفاکان آل سعود، هنوز شهر خدا و خلق خدا در بهت و حیرتند.

آل سعود با کشتن میهمانان خدا و به خاك و خون کشیدن بهترین بندگان حق نه تنها حرم را، که جهان اسـلام را آلوده به خون شـهیدان نمود و مسـلمانان و آزادگان را عزادار ساخت. مسلمانان جهان در سال گذشته و برای اولین بار عید قربان را با شـهادت فرزندان ابراهیم - علیه السلام - کـه ده ها بار از مصاف با جهانخواران و اذناب آنان برگشـته بودند، در مسلخ عشق و در منای رضایت حق جشن گرفتند. و بار دیگر امریکا و آل سـعود، بر خلاف راه و رسـم آزادگی، از زنان و مردان، از مادران و پدران شهید، از جانبازان بی پناه ما کشته ها گرفتند، و در آخرین لحظات نیز با ناجوانمردی و قساوت بر پیکر نیمه جان سالخوردگان و بر دهان تشنه و خشکیده مظلومان ما تازیانه زدند و انتقام خود را از آنان گرفتند.

انتقام از چه کسانی و از چه گناهی؟ انتقام از کسانی که از خانه خویش به سوی خانه خدا و خانه مردم هجرت نموده بودند! انتقام از کسانی که سال ها کوله بار امانت و مبارزه را بر دوش کشیده بودند. انتقام از کسانی که همچون ابراهیم - علیه السلام - از بت شکنی برمی گشتند، شاه را شکسته بودند، شوروی و امریکا را شکسته بودند، کفر و نفاق را خرد کرده بودند.

انتقام از چه کسانی و از چه گناهی؟ انتقام از کسانی که از خانه خویش به سوی خانه خدا و خانه مردم هجرت نموده بودند! انتقام از کسانی که سال ها کوله بار امانت و مبارزه را بر دوش کشیده بودند. انتقام از کسانی که همچون ابراهیم - ع - از بت شکنی برمی گشتند، شاه را شکسته بودند، شوروی و امریکا را شکسته بودند، کفر و نفاق را خرد کرده بودند.

همان ها که پس از طی آن همه راه ها با فریاد: " واءذن فی الناس بالحج یاءتوك رجالا "[2] پا برهنه و سـر برهنه آمده بودند تا ابراهیم را خوشحال کنند، به میهمانی خدا آمده بودند تا با آب زمزم گرد و غبار سفر را از چهره بزدایند، و عطش خویش را در زلال مناسك حج برطرف نمایند و با توانی بیشتر مسـئولیت پذیر گردند و در سیر و صیرورت ابدی خود نه تنها در میقات حج، که در میقات عمل نیز لباس و حجاب پیوستگی و دلبستگی به دنیا را از تن به در آورند. همان ها که برای نجات محرومان و بندگان خدا

راحتی راحت طلبان را بر خود حرام، و محرم به احرام شهادت شده بودند و عزم را جزم کردند تا نه تنها بنده زرخرید امریکا و شوروی نباشند، که زیر بار هیچکس جز خدا نروند. آمده بودند که دوباره به محمد – صلی اللّه علیه و آله و سلم – بگویند که از مبارزه خسته نشده اند و به خوبی می دانند که ابی سفیان و ابی لهب و ابی جهل برای انتقام در کمین نشسته اند، و با خود می گویند مگر هنوز لات و هبل در کعبه اند. آری، خطرناك تر از آن بت ها، اما در چهره و فریبی نو.

آن ها می دانند که امروز حرم، حرم است اما نه برای ناس، که برای امریکا! و کسی که به امریکا لبیك نگوید و به خدای کعبه رو آورد سزاوار انتقام خواهد شد. انتقام از زائرانی که همه ذرات وجود و همه حرکات و سکنات انقلابشان مناسك ابراهیم را زنده کرده است، و حقیقتا می رود تا فضای کشور و زندگی خویش را با آوای دلنشین لبیك،اللهم لبیك معطر سازد.

آری، در منطق استکبار جهانی هر که بخواهد برائت از کفر و شرك را پیاده کند متهم به شرك خواهد شد، و مفتی ها[۳] و مفتی زادگان این نوادگان بلعم باعوراها،[۴] به قتل و کفر او حکم خواهند داد. بالاخره در تاریخ اسلام می بایست آن شمشیر کفر و نفاقی که در لباس دروغین احرام یزیدیان و جیره خواران بنی امیه – علیهم لعنةاللّه – برای نابودی و قتل بهترین فرزندان راستین پیامبر اسلام، یعنی حضرت ابی عبداللّه الحسین – علیه السلام – و یاوران با وفای او، پنهان شده بود مجددا از لباس همان میراث خواران بنی سفیان به درآید و گلوی پاك و مطهر یاوران حسین – علیه السلام – را در آن هوای گرم، در کربلای حجاز و در قتلگاه حرم، پاره کند، و همان اتهاماتی را که یزیدیان به فرزندان راستین اسلام زدند و آنان را خارجی و ملحد و مشرك و مهدورالدم معرفی کردند، درست همان را به رهروان راه آنان وارد آورند، که انشاءاللّه ما اندوه دلمان را در وقت مناسب با انتقام از امریکا و آل سعود برطرف خواهیم ساخت و داغ و حسرت حلاوت این جنایت بزرگ را بر دل شان خواهیم نهاد، و با برپایی جشن پیروزی حق بر جنود کفر و نفاق و آزادی کعبه از دست نااهلان و نامحرمان به مسجدالحرام وارد خواهیم شد.

اما زائران کشـــورها که یقینا با کنترل و ارعاب دولت ها و حکومت هایشان به مکه سفر کرده اند، جای دوستان و برادران و حامیان و همسنگران واقعی خود را در میان خود خالی خواهند یافت.

آل سعود برای پرده پوشی جنایات هولناك سال گذشته خود و همچنین توجیه صدعن سبیل اللّه[۵] و منع حجاج ایرانی از ورود به حج، زائران را زیر بمباران شدید تبلیغات خود قرار خواهد داد، و آخوندهای درباری و مفتی های خودفروخته -لعنةاللّه علیهم – در کشورهای اسلامی خصوصا حجاز توسط رسانه ها و مطبوعات دست به نمایش ها و سخنرانی ها زده و عرصه را بر تفکر و تحقیق زائران درباره فهم و درك فلسفه واقعی حج و نیز پی بردن به ماجرای از پیش طراحی شده شیطان بزرگ در قتل میهمانان خدا تنگ خواهند نمود. و مسلم در چنین شرایطی رسالت زائران بسیار سنگین است.

بزرگترین درد جوامع اسلامی این است که هنوز فلسفه واقعی بسیاری از احکام الهی را درك نکرده اند، و حج با آن همه راز و عظمتی که دارد هنوز به صورت یك عبادت خشـــك و یك حرکت بی حاصل و بی ثمر باقی مانده است. یکی از وظایف بزرگ مسلمانان پی بردن به این واقعیت است که حج چیست و چرا برای همیشه باید بخشی از امکانات مادی و معنوی خود را برای برپایی آن صرف کنند.

چیـــزی که تا به حال از ناحیه ناآگاهان و یا تحلیلگران مغرض و یا جیره خواران به عنوان فلسفه حج ترسیم شده است این است که حج یك عبادت دســـته جمعی و یك سفر زیارتی – سیاحتی است. به حج چه که چگونه باید زیست و چطور باید مبارزه کرد وبا چه کیفیت در مقابل جهان سرمایه داری و کمونیسم ایستاد! به حج چه که حقوق مسلمانان و محرومان را از ظالمین باید ستاند! به حج چه که باید برای فشارهای روحی و جسمی مسلمانان چاره اندیشی نمود! به حج چه که مسلمانان باید به عنوان یك نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان خودنمایی کنند! به حج چه که مسلمانان را علیه حکومت های وابسته بشوراند. بلکه حج همان سفر تفریحی برای دیدار از قبله و مدینه اســـت و بس! و حال آن که حج برای نزدیك شدن و اتصال انســـان به صاحب خانه است. و حج تنها حرکات و اعمال و لفظ ها نیست و با کلام و لفظ و حرکت خشك، انسان به خدا نمی رسد.

به حج چه که چگونه باید زیست و چطور باید مبارزه کرد وبا چه کیفیت در مقابل جهان سرمایه داری و کمونیسم ایستاد! به حج چه که حقوق مسلمانان و محرومان را از ظالمین باید ستاند! به حج چه که باید برای فشارهای روحی و جسمی مسلمانان چاره اندیشی نمود! به حج چه که مسلمانان باید به عنوان یك نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان خودنمایی کنند! به حج چه که مسلمانان را علیه حکومت های وابسته بشوراند.

حج کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جستجو نمود. حج پیام آور و ایجاد و بنای جامعه ای به دور از رذایل مادی و معنوی است. حج تجلی و تکرار همه صحنه های عشق آفرین زندگی یك انسان و یك جامعه متکامل در دنیاست. و مناسك حج مناسك زندگی است. و از آن جا که جامعه امت اسلامی ، از هر نژاد و ملیتی، باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد – صلی اللّه علیه و آله و ســـلم – پیوند خورد و یکی گردد و ید واحده شود، حج تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است.

حج عرصه نمایش و آیینه ســـنجش اســـتعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است. حج بسان قرآن است که همه از آن بهره مند می شوند،

ولی اندیشـــمندان و غواصان و درد آشنایان امت اســـلامی اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیك شـــدن و فرو رفتن در احکام و سیاست های اجتماعی آن نترسند، از صدف این دریا گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادگی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد سیراب خواهند گشت. ولی چه باید کرد و این غم بزرگ را به کجا باید برد که حج بسان قرآن مهجور گردیده است. و به همان اندازه ای که آن کتاب زندگی و کمال و جمال در حجاب های خود ساخته ما پنهان شده است و این گنجینه اسرار آفرینش در دل خروارها خاك کج فکریهای ما دفن و پنهان گردیده است و زبان انس و هدایت و زندگی و فلسفه زندگی ساز او به زبان وحشت و مرگ و قبر تنزل کرده است، حج نیز به همان سرنوشت گرفتار گشته است، سرنوشتی که میلیون ها مسلمان هر سال به مکه می روند و پا جای پای پیامبر و ابراهیم و اسماعیل و هاجر می گذارند، ولی هیچکس نیست که از خود بپرسد ابراهیم و محمد - علیهمالسلام – که بودند و چه کردند ، هدف شان چه بود، از ما چه خواسته اند؟ گویی به تنها چیزی که فکر نمی شود به همین است.

مسلم حج بی روح و بی تحرك و قیام، حج بی برائت، حج بی وحدت، و حجی که از آن هدم کفر و شرك بر نیاید، حج نیست. خلاصه ، همه مسلمانان باید در تجدید حیات حج و قرآن کریم و بازگرداندن این دو به صحنه های زندگی‌شان کوشش کنند، و محققان متعهد اسلام با ارائه تفسیرهای صحیح و واقعی از فلسفه حج همه بافته ها و تافته های خرافاتی علمای درباری را به دریا بریزند. اما آن چه زائران عزیز باید بدانند این که امریکا و آل سعود حادثه مکه را یك مبارزه فرقه ای و نزاع قدرت میان شیعه و سنی ترسیم نموده ، و ایران و رهبران آن را به عنوان کسانی که هوس رسیدن به یك امپراتوری بزرگ را در سر می پرورانند معرفی می کنند تا بسیاری از کسانی که از مسیر حوادث سیاسی جهان اسلام و نقشه های شوم جهانخواران بیخبرند تصور کنند که فریاد برائت ما از مشرکین و مبارزه ما برای کسب آزادی ملت ها در مسیر کسب قدرت سیاسی‌مان و گسترش قلمرو جغرافیای حکومت اسلامی است.

البته برای ما و همه اندیشمندان و محققانی که از نیات پلید تشکیلات آل سعود باخبرند جای تعجب نیســـت که به ایران و حکومتی که از بدو پیروزی تا به حال فریاد وحدت مسلمین را سر داده است و در همه حوادث جهان اسلام خود را شریك غم و شادی مسلمانان می داند تهمت افتراق و جدایی مسلمانان را بزنند، و یا بالاتر از آن، زائرانی را که به عشـــق زیارت مرقد پیامبر و حرم امن الهی به حجاز رفته اند به لشکرکشی و تشکل برای تصرف کعبه و آتش زدن حرم خدا و تخریب مدینه پیامبر متهم نمایند! و دلیل و مدرك این کار را حضور پاسداران و نظامیان و مسئولین کشورمان در مراسم حج ذکر کنند! آری، در منطق آل سعود نظامی و پاسدار کشور اسلامی باید با حج بیگانه باشد، و این گونه سفرها برای مسئولین کشوری و لشکری تعجب آور و توطئه انگیز می شود.

از نظر استکبار، مسئولین کشورهای اسلامی باید به فرنگ بروند، آنها را به حج چه کار! دست نشاندگان امریکا آتش زدن پرچم امریکا را به حساب آتش زدن حرم، و شـــعار مرگ بر شوروی و امریکا و اسرائیل را به حساب دشمنی با خدا و قرآن و پیامبر گذاشته اند، و نیز مسئولین و نظامیان ما را با لباس احرام به عنوان رهبران توطئه معرفی کرده اند! واقعیت این است که دول استکباری شرق و غرب و خصوصا امریکا و شوروی، عملا جهان را به دو بخش آزاد و قرنطینه سیاسی تقسیم کرده اند.

در بخش آزاد جهان، این ابرقدرتها هســـتند که هیچ مرز و حد و قانونی نمی شناسند و تجاوز به منافع دیگران و استعمار و استثمار و بردگی ملتها را امری ضروری و کاملا توجیه شـــده و منطقی و منطبق با همه اصول و موازین خود ساخته و بین المللی می دانند. اما در بخش قرنطینه سیاسی که متاسفانه اکثر ملل ضعیف عالم و خصوصا مسلمانان در آن محصور و زندانی شده اند، هیچ حق حیات و اظهار نظری وجود ندارد، همه قوانین و مقررات و فرمول ها همان قوانین دیکته شده و دلخواه نظام های دست نشـــاندگان و در برگیرنده منافع مستکبران خواهد بود. و متاسفانه اکثر عوامل اجرایی این بخش همان حاکمان تحمیل شـــده یا پیروان خطوط کلی اســـتکبارند که حتی فریاد زدن از درد را نیز در درون این حصارها و زنجیرها جرم و گناهی نابخشودنی می دانند. و منافع جهانخواران ایجاب می کند که هیچ کس حق گفتن کلمه ای که بوی تضعیف آنان را بدهد یا خواب راحت آنان را آشـــفته کند ندارد. و از آن جا که مسلمانان جهان به علت فشـــار و حبس و اعدام، قدرت بیان مصیبت هایی را که حاکمان کشورشان بر آنها تحمیل کرده اند را ندارند، باید بتوانند در حرم امن الهی مصایب و دردهایشان را با کمال آزادی بیان کنند تا سایر مسلمانان برای رهایی آنان چاره ای بیندیشند.

در بخش قرنطینه سیاسی که متاسفانه اکثر ملل ضعیف عالم و خصوصا مسلمانان در آن محصور و زندانی شده اند، هیچ حق حیات و اظهار نظری وجود ندارد، همه قوانین و مقررات و فرمول ها همان قوانین دیکته شده و دلخواه نظام های دست نشاندگان و در برگیرنده منافع مستکبران خواهد بود.

لذا ما بر این مطلب پافشاری و اصرار می کنیم که مسلمانان، حداقل در خانه خدا و حـــرم امن الهی، خود را از تمامی قید و بندهای ظالمان آزاد ببیننـــد و در یك مانور بزرگ از چیزی که از آن متنفرند اعلام برائت کنند و از هر وســـیله ای برای رهایی خود استفاده نمایند. حکومت آل سعود

مسئولیت کنترل زائران خانه خدا را به عهده گرفته است. و اینجاست که با اطمینان می گوییم که حادثه مکه جدای از سیاست اصولی جهانخواران در قلع و قمع مسلمانان آزاده نیست.

ما با اعلام برائت از مشرکین تصمیم بر آزادی انرژی متراکم جهان اسلام داشته و داریم. و به یاری خداوند بزرگ و با دســـت فرزندان قرآن روزی این کار صورت خواهد گرفت. و انشاءاللّه روزی همه مسلمانان و دردمندان علیه ظالمین جهان فریاد زنند و اثبات کنند که ابرقدرت ها و نوکران و جیره خوارانشـــان از منفورترین موجودات جهان هستند.

کشتار زائران خانه خدا توطئه ای برای حفظ سیاست های استکبار و جلوگیری از نفوذ اسلام ناب محمدی – صلی اللّه علیه و آله و سلم – است. و کارنامه سیاه و ننگین حاکمان بی درد کشورهای اسلامی حکایت از افزودن درد و مصیبت بر پیکر نیمه جان اسلام و مسلمین دارد. پیامبر اسلام نیازی به مساجد اشرافی و مناره های تزئیناتی ندارد.

پیامبر اسلام دنبال مجد و عظمت پیروان خود بوده است که متاسفانه با سیاست های غلط حاکمان دست نشـــانده به خاك مذلت نشسته اند. مگر مسلمانان جهان فاجعه قتل عام صدها عالم و هزاران زن و مرد فرقه های مسلمین را در طول حیات ننگین آل سعود و نیز جنایت قتلعام زائران خانه خدا را فراموش می کنند؟ مگر مسلمانان نمی بینند که امروز مراکز وهابیت در جهان به کانون های فتنه و جاسوسی مبدل شـــده اند، که از یك طرف اسلام اشرافیت، اسلام ابوسفیان، اسلام ملاهای کثیف درباری، اسلام مقدس نماهای بیشعور حوزه های علمی و دانشگاهی، اسلام ذلت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام فریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه داران بر مظلومین و پابرهنه ها، و در یك کلمه اسلام امریکایی را ترویج می کنند، و از طرف دیگر، سر بر آستان سرور خویش، امریکای جهانخوار، می گذارند.

مسلمانان نمی دانند این درد را به کجا ببرند که آل سعود و خادم الحرمین به اسرائیل اطمینان می دهد که ما اسلحه خودمان را علیه شما به کار نمی بریم! و برای اثبات حرف خود با ایران قطع رابطه می کنند. واقعا چقدر باید رابطه سران کشورهای اسلامی با صهیونیست ها گرم و صمیمی شود تا در کنفرانس سران کشورهای اسلامی مبارزه صوری و ظاهری هم با اسرائیل از دستور کار آنان و جلسات آنان خارج شود. اگر این ها یك جو غیرت و حمیت اسلامی و عربی داشتند، حاضر به یك چنین معامله کثیف سیاسی و خودفروشی و وطن فروشی نمی شدند.

آیا این حرکات برای جهان اسلام شرم آور نیست؟ و تماشاچی شدن گناه و جرم نمی باشد؟ آیا از مسلمانان کسی نیست تا بپاخیزد و این همه ننگ و عار را تحمل نکند؟ راستی ما باید بنشینیم تا سران کشورهای اسلامی احساسات یك میلیارد مسلمان را نادیده بگیرند و صحه بر آن همه فجایع صهیونیست ها بگذارند، و دوباره مصر و امثال آن را به صحنه بیاورند؟ حال، مسلمانان باور می کنند که زائران ایرانی برای اشغال خانه

خدا و حرم پیامبر قیام کرده اند و می خواهند کعبه را دزدیده به قم ببرند! اگر مسلمانان جهان باور کرده اند که سران آن ها دشمنان واقعی امریکا و شوروی و اسرائیل هستند، تبلیغات آنان هم در مورد ما را باور می کنند.
البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران امریکا نام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می کنیم.
ما درصدد خشکانیدن ریشه های فاسد صهیونیزم، سرمایه داری و کمونیزم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده اند نابود کنیم، و نظام اسلام رسول اللّه – صلی اللّه علیه و آله و سلم – را در جهان استکبار ترویج نماییم. و دیر یا زود ملت های دربند شـــاهد آن خواهنـــد بود. ما با تمام وجود از گسترش باج خواهی و مصونیت کارگزاران امریکایی ، حتی اگر با مبارزه قهرآمیز هم شده باشد، جلوگیری می کنیم. انشاءاللّه ما نخواهیم گذاشت از کعبه و حج، این منبر بزرگی که بر بلندای بام انسانیت باید صدای مظلومان را به همه عالم منعکس سازد و آوای توحید را طنین اندازد، صدای سازش با امریکا و شوروی و کفر و شرك نواخته شود. و از خدا می خواهیم که این قدرت را به ما ارزانی دارد که نه تنها از کعبه مســـلمین، که از کلیساهای جهان نیز ناقوس مرگ امریکا و شوروی را به صدا درآوریم. مسلمانان جهان و محرومین سراسر گیتی از این برزخ بی انتهایی که انقلاب اسلامی ما برای همه جهانخواران آفریده است احساس غرور و آزادی کنند، و آوای آزادی و آزادگی را در حیات و سرنوشـــت خویش سر دهند و بر زخم های خود مرهم گذارند، که دوران بن بست و نا امیدی و تنفس در منطقه کفر به سر آمده است، و گلستان ملت ها رخ نموده است. و امیدوارم همه مسلمانان شکوفه های آزادی و نسیم عطر بهاری و طراوت گل های محبت و عشق و چشمه سار زلال جوشش اراده خویش را نظاره کنند. همه باید از مرداب و باتلاق و سکوت و سکونی که کارگزاران سیاست امریکا و شوروی بر آن

ما درصدد خشکانیدن ریشه های فاسد صهیونیزم، سرمایه داری و کمونیزم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده اند نابود کنیم، و نظام اسلام رسول اللّه – صلی اللّه علیه و آله و سلم – را در جهان استکبار ترویج نماییم. و دیر یا زود ملت های دربند شاهد آن خواهند بود. ما با تمام وجود از گسترش باج خواهی و مصونیت کارگزاران امریکایی ، حتی اگر با مبارزه قهرآمیز هم شده باشد، جلوگیری می کنیم.

تخم مرگ و اســـارت پاشیده اند به درآییم و به سوی دریایی که زمزم از آن جوشیده است روانه شویم، و پرده کعبه و حرم خدا را که به دست نامحرمان نجس امریکا و امریکازاده ها آلوده شده است با اشك چشم خویش شستشو دهیم.

مسلمانان تمامی کشورهای جهان، از آن جا که شما در سلطه بیگانگان گرفتار مرگ تدریجی شده اید، باید بر وحشت از مرگ غلبه کنید، و از وجود جوانان پرشور و شهادت طلبی که حاضرند خطوط جبهه کفر را بشکنند استفاده نمایید. به فکر نگه داشتن وضع موجود نباشید، بلکه به فکر فرار از اسارت و رهایی از بردگی و یورش به دشمنان اسلام باشید، که عزت و حیات در سایه مبارزه است.

و اولین گام در مبارزه اراده است. و پس از آن، تصمیم بر اینکه سیادت کفر و شرك جهانی، خصوصا امریکا را بر خود حرام کنید. ما در مکه باشـــیم یا نباشیم دل و روحمان با ابراهیم و در مکه است. دروازه های مدینةالرسول را به روی ما ببندند یا بگشایند، رشته محبت مان با پیامبر هرگز پاره و سست نمی شود. به سوی کعبه نماز می گزاریم و به سوی کعبه می می رویم. و خدا را سپاس می گزاریم که در میثاق مان باخدای کعبه پایدار مانده ایم و پایه های برائت از مشـــرکین را با خون هزاران هزار شهید از عزیزان مان بنیان نهاده ایم. و منتظر هم نمانده ایم که حاکمان بی شخصیت بعض کشورهای اسلامی و غیر اسلامی از حرکت ما پشتیبانی کنند. ما مظلومین همیشه تاریخ، محرومان و پابرهنگانیم. ما غیر از خدا کسی را نداریم. و اگر هزار بار قطعه قطعه شویم، دست از مبارزه با ظالم بر نمی داریم. جمهوری اسلامی ایران از مسلمانان آزاده جهان که علی رغم اختناق سیاسی حاکم بر آن ها با ترتیب کنفرانس ها و مصاحبه ها و سخنرانی ها پرده از اسرار جنایت بار امریکا و آل سعود برداشتند و مظلومیت ما را به دنیا نشان دادند تشکر می نماید.

مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می شود، و هر روز شیطان بزرگ یا شوروی به بهانه حفظ منافع خود حادثه ای را به وجود می آورند. راستی اگر مسلمانان مسائل خود را به صورت جدی با جهانخواران حل نکنند و لااقل خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند، آسوده خواهند بود؟ هم اکنون اگر امریکا یك کشور اسلامی را به بهانه حفظ منافع خویش با خاك یکسان کند، چه کسی جلوی او را خواهد گرفت؟ پس راهی جز مبارزه نمانده است، و باید چنگ و دندان ابرقدرتها و خصوصا امریکا را شکست، و الزاما یکی از دو راه را انتخاب نمود: یا شـــهادت. یا پیروزی. که در مکتب ما هر دوی آنها پیروزی است. که انشاءاللّه خداوند قدرت شکستن چهارچوب سیاست های حاکم و ظالم جهانخواران، و نیز جسارت ایجاد داربست هایی بر محور کرامت انســـانی را به همه مسلمین عطا فرماید، و همه را از افول ذلت به صعود عزت و شوکت همراهی نماید.

بعضی افراد تا قبل از حادثه تلخ و شیرین حج در سال گذشته ، فلسفه اصرار جمهوری اسلامی ایران را بر راهپیمایی برائت از مشرکین به خوبی درك نکرده بودند و از خود و دیگران سؤال می کردند که در سفر حج

و در آن هوای گرم چه ضرورتی به راهپیمایی و فریاد مبارزه اســت، و اگر هم فریاد برائت از مشرکین هم سر داده شود، چه ضرری متوجه استکبار می شود. و چه بسا افراد ساده دلی تصور می کردند که دنیای به اصطلاح متمدن جهانخواران نه تنها تاب تحمل این گونه مسائل سیاسی را خواهد داشت، که به مخالفان خود حتی بیش از این هم اجازه حیات و تظاهرات و راهپیمایی خواهند داد. و دلیل این مدعا اجازه راهپیمایی هایی اســت که در کشورهای به اصطلاح آزاد غرب داده می شود. ولی این مسئله باید روشن باشد که آن گونه راهپیمایی ها هیچگونه ضرری برای ابرقدرت ها و قدرت ها ندارد. راهپیمایی مکه و مدینه است که بسته شدن شیرهای نفت عربستان را به دنبال دارد.

اولین گام در مبارزه اراده است. و پس از آن، تصمیم بر اینکه سیادت کفر و شرك جهانی، خصوصا امریکا را بر خود حرام کنید. ما در مکه باشیم یا نباشیم دل و روحمان با ابراهیم و در مکه است. دروازه های مدینةالرسول را به روی ما ببندند یا بگشایند، رشته محبت مان با پیامبر هرگز پاره و سست نمی شود. به سوی کعبه نماز می گزاریم و به سوی کعبه می رویم.

راهپیمایی های برائت در مکه و مدینه اســت که به نابودی سرسپردگان شوروی و امریکا ختم می شود. و درست به همین جهت است که با کشتار دسته جمعی زنان و مردان آزاده از آن جلوگیری می شود، و در پناه همین برائت از مشرکین اســت که حتی ساده دلان می فهمند که نباید سر بر آستان شوروی و امریکا نهاد.

ملت عزیز و دلاور ایران مطمئن باشند که حادثه مکه منشا تحولات بزرگی در جهان اســلام و زمینه مناسبی برای ریشه کن شدن نظام های فاسد کشورهای اسلامی و طرد روحانی نماها خواهد بود. و با این که بیشتر از یك سال از حماسه برائت از مشرکان نگذشته است، عطر خون های پاك شهدای عزیز ما در تمامی جهان پیچیده و اثرات آن را در اقصا نقاط عالم مشاهده می کنیم. حماسه مردم فلسطین یك پدیده تصادفی نیست.

آیا دنیا تصور می کند که این حماسه را چه کسانی سروده اند و هم اکنون مردم فلسطین به چه آرمانی تکیه کرده اند که بی محابا و با دست خالی در برابر حملات وحشیانه صهیونیستها مقاومت می کنند؟ آیا تنها آوای وطن گرایی است که از وجود آنان دنیایی از صلابت آفریده است؟ آیا از درخت سیاست بازان خود فروخته است که بر دامن فلسطینیان میوه استقامت و زیتون نور و امید می ریزد؟ اگر اینچنین بود، این ها که سال هاست در کنار فلسطینیان و به نام ملت فلسطین نان خورده اند! شکی نیست که این آوای

اللّه اکبر است، این همان فریاد ملت ماست که در ایران شاه را و در بیت المقدس غاصبین را به نومیدی کشـــاند.و این تحقق همان شعار برائت است که ملت فلسطین در تظاهرات حج دوشادوش خواهران و برادران ایرانی خود فریاد رسای آزادی قدس را سر داد و مرگ بر امریکا، شوروی و اسرائیل گفت، و بر همان بستر شهادتی که خون عزیزان ما بر آن ریخته شد او نیز با نثار خون و به رسم شهادت آرمید.

آری، فلسطینی راه گم کرده خود را از راه برائت ما یافت. و دیدیم که در این مبارزه چطور حصارهای آهنین فروریخت، و چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد، و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت، و دوباره کوکب دریه فلسطین از شجره مبارکه لاشرقیة ولاغربیة ما برافروخت. و امروز به همان گونه که فعالیت های وسیعی در سراسر جهان برای به سازش کشیدن ما با کفر و شرك در جریان است، برای خاموش کردن شعله های خشم ملت مسلمان فلسطین نیز به همان شکل ادامه دارد. و این تنها یك نمونه از پیشرفت انقلاب است. و حال آن که معتقدین به اصول انقلاب اسلامی ما در سراسر جهان رو به فزونی نهاده است و ما این ها را سرمایه های بالقوه انقلاب خود تلقی می کنیم و هم آن هایی که با مرکب خون طومار حمایت از ما را امضا می کنند و با سر و جان دعوت انقلاب را لبیك می گویند و به یاری خداوند کنترل همه جهان را به دست خواهند گرفت. امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار، و جنگ پابرهنه ها و مرفهین بی درد شروع شده است. و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده اند می بوسم، و سلام و درودهای خالصانه خود را به همه غنچه های آزادی و کمال نثار می کنم. و به ملت عزیز و دلاور ایران هم عرض می کنم: خداوند آثار و برکات معنویت شما را به جهان صادر نموده است، و قلب ها و چشمان پرفروغ شما کانون حمایت از محرومان شده است و شراره کینه انقلابی تان جهانخواران چپ و راست را به وحشت انداخته است.

البته همه می دانیم که کشور ما در حال جنگ و انقلاب سختی ها و مشکلاتی را تحمل کرده و کسی مدعی آن نیســـت که طبقات محروم و ضعیف و کم درآمد و خصوصا اقشار کارمند و اداری، در تنگنای مسائل اقتصادی نیستند، ولی آن چیزی که همه مردم ما فراتر از آن را فکر می کنند مسئله حفظ اسلام و اصول انقلاب است. مردم ایران ثابت کرده اند که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند، ولی تحمل شکست انقلاب و ضربه به اصول آن را هرگز نخواهند داشت. ملت شریف ایران همیشه در مقابل شدیدترین حملات تمامی جهان کفر علیه اصول انقلاب خویش مقاومت کرده است که در این جا مجال ذکر همه آنها نیست. آیا ملت دلاور ایران در مقابل جنایات متعدد امریکا در خلیج فارس اعم از حمایت نظامی و اطلاعاتی به عراق و حمله به سکوهای نفتی و کشتی ها و قایق ها و سرنگونی هواپیمای مسافربری مقاومت نکرده است؟ آیا ملت ایران در جنگ دیپلماسی شرق و غرب علیه خود و ایجاد بازی های سیاسی مجامع بین

المللی مقاومت نکرده است؟ آیا ملت شجاع ایران در مقابل جنگ اقتصادی، تبلیغاتی، روانی و حملات ددمنشانه عراق به شهرها و موشکباران مناطق مسکونی و بمباران های مکرر شیمیایی عراق در ایران و حلبچه ، مقاومت نکرده اســت؟ آیا ملت عزیز ایران در مقابل توطئه منافقین و لیبرال ها و زراندوزی و احتکار ســرمایه داران و حیله مقدس مابان مقاومت نکرده اســت؟ آیا همه این حوادث و جریانات برای ضربه زدن به اصول انقلاب نبوده است؟ که اگر نبود حضور مردم، هر یك از این توطئه ها می توانست به اصول نظام ضربه بزند. که خدا را سپاس می گزاریم که ملت ایران را موفق نمود تا با قامتی استوار به رسالت خود عمل کند و صحنه ها را ترك نگوید.

آیا ملت عزیز ایران در مقابل توطئه منافقین و لیبرال ها و زراندوزی و احتکار سرمایه داران و حیله مقدس مابان مقاومت نکرده است؟ آیا همه این حوادث و جریانات برای ضربه زدن به اصول انقلاب نبوده است؟ که اگر نبود حضور مردم، هر یك از این توطئه ها می توانست به اصول نظام ضربه بزند. که خدا را سپاس می گزاریم که ملت ایران را موفق نمود تا با قامتی استوار به رسالت خود عمل کند و صحنه ها را ترك نگوید.

ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزش های اسلامی هستند، به خوبی دریافته اند که مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست، و آن ها که تصور می کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه داری و رفاه طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه اند. و آن هایی هم که تصور می کنند سرمایه داران و مرفهان بی درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمك می کنند آب در هاون می کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه ، بحث قیام و راحت طلبی ، بحث دنیاخواهی و آخرت جویی دو مقوله ای اســت که هرگز با هم جمع نمی شوند. و تنها آن هایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی بضاعت گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلابها هستند. ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم.

مسئولین نظام ایران انقلابی باید بدانند که عده ای از خدا بی خبر برای از بین بردن انقلاب هر کس را که بخواهد برای فقرا و مستمندان کار کند و راه اسلام و انقلاب را بپیماید فورا او را کمونیست و التقاطی می خوانند.

از این اتهامات نباید ترسید. باید خدا را در نظر داشت، و تمام هم و تلاش خود را در جهت رضایت خدا و کمك به فقرا به کار گرفت و از هیچ تهمتی نترســید. امریکا و اســتکبار در تمامی زمینه ها افرادی را برای شکست

انقلاب اســـلامی در آستین دارند، در حوزه ها و دانشگاه ها مقدس نماها را که خطر آنان را بارها و بارها گوشزد کرده ام. اینان با تزویرشان از درون محتوای انقلاب و اسلام را نابود می کنند. این ها با قیافه ای حق به جانب و طرفدار دین و ولایت همه را بی دین معرفی می کنند. باید از شر این ها به خدا پناه بریم. و همچنین کسانی دیگر که بدون استثنا به هر چه روحانی و عالم است حمله می کنند و اسلام آنها را اسلام امریکایی معرفی می نمایند راهی بس خطرناك را می پویند که خدای ناکرده به شکست اسلام ناب محمدی منتهی می شود.

ما برای احقاق حقوق فقرا در جوامع بشری تا آخرین قطره خون دفاع خواهیم کرد. امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است. و مسلمانان در یك تشکیلات بزرگ اسلامی رونق و زرق و برق کاخ های ســـفید و سرخ را از بین خواهند برد. امروز خمینی آغوش و سینه خویش را برای تیرهای بلا و حوادث سخت و برابر همه توپ ها و موشك های دشمنان باز کرده است و همچون همه عاشقان شهادت، برای درك شهادت روزشماری می کند. جنگ ما جنگ عقیده است، و جغرافیا و مرز نمی شناسد. و ما باید در جنگ اعتقادی مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم.

انشاءاللّه ملت بزرگ ایران با پشتیبانی مادی و معنوی خود از انقلاب، سختی های جنگ را به شیرینی شکســـت دشمنان خدا در دنیا جبران می کند. و چه شیرینی بالاتر از این که ملت بزرگ ایران مثل یك صاعقه بر سر امریکا فرود آمده است. چه شیرینی بالاتر از این که ملت ایران سقوط ارکان و کنگره های نظام ستم شاهی را نظاره کرده است و شیشه حیات امریکا را در این کشور شکسته است. و چه شیرینی بالاتر از این که مردم عزیزمان ریشه های نفاق و ملی گرایی و التقاط را خشکانیده اند.

و انشاءاللّه شیرینی تمام ناشدنی آن را در جهان آخرت خواهند چشید. نه تنها کسانی که تا مقام شهادت و جانبازی و حضور در جبهه پیش رفته اند، بلکه آن هایی که در پشت جبهه با نگاه محبت بار و با دعای خیر خود جبهه را تقویت نموده اند از مقام عظیم مجاهدان و اجر بزرگ آنان بهره برده اند.خوشا به حال مجاهدان! خوشا به حال وارثان حسین – علیه السلام! اذناب امریکا باید بدانند که شهادت در راه خدا مسئله ای نیست که بشود با پیروزی یا شکست در صحنه های نبرد مقایسه شود.

مقام شهادت، خود اوج بندگی و سیر و سلوك در عالم معنویت است. نباید شهادت را تا این اندازه به سقوط بکشانیم که بگوییم در عوض شهادت فرزندان اسلام تنها خرمشهر و یا شهرهای دیگر آزاد شد. تمامی این ها خیالات باطل ملی گراهاست. ما هدفمان بالاتر از آن است. ملی گراها تصور نمودند ما هدفمان پیاده کردن اهداف بین الملل اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است. ما می گوییم تا شرك و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم لا اله الا اللّه را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم. پس ای فرزندان ارتشی و سپاهی و بسیجی

ام، و ای نیروهای مردمی ، هرگز از دست دادن موضعی را با تاثر و گرفتن مکانی را با غرور و شادی بیان نکنید که این ها در برابر هدف شما به قدری ناچیزند که تمامی دنیا در مقایسه با آخرت.

پدران و مادران و همسران و خویشاوندان شهدا، اسرا، مفقودین، و معلولین ما توجه داشـــته باشـــند که هیچ چیزی از آن چه فرزندان آنان به دست آورده اند کم نشده است. فرزندان شما در کنار پیامبر اکرم و ائمه اطهارند. پیروزی و شکست برای آنها فرقی ندارد. امروز روز هدایت نسل های آینده است. کمربندهاتان را ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است. امروز روزی است که خدا این گونه خواسته است. و دیروز خدا آن گونه خواسته بود. و فردا انشـــاءاللّه روز پیروزی جنود حق خواهد بود. ولی خواست خدا هر چه هست ما در مقابل آن خاضعیم. و ما تابع امر خداییم، و به همین دلیل طالب شهادتیم. و تنها به همین دلیل است که زیر بار ذلت و بندگی غیر خدا نمی رویم.

البتـــه برای ادای تکلیف همه ما موظفیم که کارها و مســـائل مربوط به خودمان را به بهترین وجه و با درایت و دقت انجام دهیم. همه می دانند که ما شـــروع کننده جنگ نبوده ایم. ما برای حفظ موجودیت اسلام در جهان تنها از خود دفاع کرده ایم. و این ملت مظلوم ایران است که همواره مورد حمله جهانخواران بوده است، و استکبار از همه کمینگاه های سیاسی و نظامی و فرهنگی و اقتصادی خود به ما حمله کرده است. انقلاب اسلامی ما تاکنون کمین گاه شیطان و دام صیادان را به ملت ها نشان داده است.

جهانخواران و ســـرمایه داران و وابستگان آنان توقع دارند که ما شکسته شدن نونهالان و به چاه افتادن مظلومان را نظاره کنیم و هشدار ندهیم. و حال آن که این وظیفه اولیه ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صدا زنیم که ای خواب رفتگان! ای غفلت زدگان! بیدار شوید و به اطراف خـــود نگاه کنید که در کنار لانه های گرگ منزل گرفته اید. برخیزید که اینجا جای خواب نیست! و نیز فریاد کشیم سریعا قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیســـت! امریکا و شوروی در کمین نشسته اند، و تا نابودی کامل تان از شما دست بر نخواهند داشت. راستی اگر بسیج جهانی مسلمین

ما برای احقاق حقوق فقرا در جوامع بشری تا آخرین قطره خون دفاع خواهیم کرد. امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است. و مسلمانان در یك تشکیلات بزرگ اسلامی رونق و زرق و برق کاخ های سفید و سرخ را از بین خواهند برد. امروز خمینی آغوش و سینه خویش را برای تیرهای بلا و حوادث سخت و برابر همه توپ ها و موشك های دشمنان باز کرده است و همچون همه عاشقان شهادت، برای درك شهادت روزشماری می کند. جنگ ما جنگ عقیده است، و جغرافیا و مرز نمی شناسد.

تشکیل شده بود، کسی جرات این همه جسارت و شرارت را با فرزندان معنوی رسول اللّه – صلی اللّه علیه و آله و سلم – داشت؟ امروز یکی از افتخارات بزرگ ملت ما این است که در برابر بزرگترین نمایش قدرت و آرایش ناوهای جنگی امریکا و اروپا در خلیج فارس صفآرایی نمود. و اینجانب به نظام های امریکایی و اروپایی اخطار می کنم که تا دیر نشده و در باتلاق مرگ فرونرفته اید، از خلیج فارس بیرون روید. و همیشه این گونه نیست که هواپیماهای مسافربری ما توسط ناوهای جنگی شما سرنگون شود، که ممکن است فرزندان انقلاب ناوهای جنگی شما را به قعر آب های خلیج فارس بفرستند.

به دولت ها و حکومت های منطقه ، خصوصا به عربستان و کویت می گویم که همه شما در ماجراجویی ها و جنایاتی که امریکا می آفریند شریك جرم خواهید بود. و ما تا به حال از این که همه منطقه در کام آتش و خون و بی ثباتی کامل غوطه ور نشود، دست به عملی نزده ایم. ولی حرکات جنون آمیز ریگان مطمئنا حوادث غیرمنتظره و عواقب خطرناکی را بر همه تحمیل می کند. شما اطمینان داشته باشید که در این برگ جدید بازنده اید. خودتان و کشور و مردم اسلامی را در برابر امریکا اینقدر ذلیل و ناتوان نکنید. اگر دین ندارید، لااقل آزاده باشید.

بحمداللّه از برکت انقلاب اسلامی ایران دریچه های نور و امید به روی همه مسلمانان جهان باز شده است، و می رود تا رعد و برق حوادث آن، رگبار مرگ و نابودی را بر سر همه مستکبران فرو ریزد. نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهانخواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت ها و ارزش های معنوی و الهی‌مان نمی شناسند. به گفته قرآن کریم، هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی دارند مگر این که شما را از دین تان برگردانند. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست ها و امریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی مان را لکه دار نمایند. بعضی مغرضین ما را به اعمال سیاست نفرت و کینه توزی در مجامع جهانی توصیف و مورد شـــماتت قرار می دهند، و با دلسوزی های بی مورد و اعتراض های کودکانه می گویند جمهوری اسلامی سبب دشمنی ها شده است و از چشم غرب و شرق و ایادی‌شان افتاده است! که چه خوب است به این سؤال پاسخ داده شود که ملت های جهان سوم و مسلمانان، و خصوصا ملت ایران، در چه زمانی نزد غربی ها و شرقی ها احترام و اعتبار داشته اند که امروز بی اعتبار شده اند!

آری، اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین – علیهم السلام – را با دست های خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهانخواران او را به عنوان یك ملت ضعیف و فقیر و بی فرهنگ به رسمیت بشناسند، ولی در همان حدی که آن ها آقا باشند ما نوکر، آن ها ابرقدرت باشند ما ضعیف، آن ها ولی و قیم باشند ما جیره خوار و حافظ منافع آن ها، نه

یك ایران با هویت ایرانی – اسلامی ، بلکه ایرانی که شناسنامه اش را امریکا و شوروی صادر کند، ایرانی که ارابه سیاست امریکا یا شوروی را بکشد و امروز همه مصیبت و عزای امریکا و شوروی شرق و غرب در این است که نه تنها ملت ایران از تحت الحمایگی آنان خارج شده است، که دیگران را هم به خروج از سلطه جباران دعوت می کند. کنترل و حذف سلاح های مخرب از جهان اگر با حقیقت و صداقت همراه بود خواسته همه ملت هاست، ولی این نیز یك فریب قدیمی است. و این همان چیزی است که اخیرا از گفته های سران امریکا و شوروی و نوشته های سیاسیون آن ها آشکار گردیده است که مراودات اخیر سران شرق و غرب به خاطر مهار بیشتر جهان سوم و در حقیقت جلوگیری از نفوذ پابرهنه ها و محرومین در جهان مالکیت های بی حد و مرز سرمایه داران است.

مـــا باید خود را آماده کنیم تا در برابر جبهه متحد شـــرق و غرب، جبهه قدرتمند اسلامی – انسانی با همان نام و نشان اسلام و انقلاب ما تشکیل شود، و آقایی و سروری محرومین و پابرهنگان جهان جشن گرفته شود. مطمئن باشید قدرت های شرق و غرب همان مظاهر بی محتوای دنیای مادی اند که در برابر خلود و جاودانگی دنیای ارزشهای معنوی قابل ذکر نمی باشند.

ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم. و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم.

من به صراحت اعلام می کنم که جمهوری اســـلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه گذاری می کند. و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه طلبی و فزونطلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رســـیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم. و این را باید از اصول سیاســـت خارجی خود بدانیم.

ما اعلام می کنیم که جمهوری اســـلامی ایران برای همیشـــه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است. و کشور ایران به عنوان یك دژ نظامی

و آسیب ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تامین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش های مبارزه علیه نظام های کفر و شرك آشنا می سازد. و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتا مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصا برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می دیدم، ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلا خودداری می کنم، و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم، و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می دانم. و خدا می داند که اگر نبود انگیزه ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی بودم و مرگ و شهادت برایم گواراتر بود. اما چاره چیست که همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم. و مسلم ملت قهرمان و دلاور ایران نیز چنین بوده و خواهد بود.

مـــن در این جا از همه فرزندان عزیزم در جبهه های آتش و خون که از اول جنگ تا امروز به نحوی در ارتباط با جنگ تلاش و کوشش نموده اند، تشکر و قدردانی می کنم. و همه ملت ایران را به هوشیاری و صبر و مقاومت دعوت می کنم. در آینده ممکن است افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی در میان مردم این مسئله را مطرح نمایند که ثمره خون ها و شهادت ها و ایثارها چه شد. این ها یقینا از عوالم غیب و از فلسفه شهادت بی خبرند و نمی دانند کسی که فقط برای رضای خدا به جهاد رفته است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده است حوادث زمان به جاودانگی و بقا و جایگاه رفیع آن لطمه ای وارد نمی سازد. و ما برای درك کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله طولانی را باید بپیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم.

مسلم خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است. خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است. و خدا می داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست، و این ملت ها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود. و همین تربت پاك شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود. خوشا به حال آنان که با شهادت رفتند! خوشا به حال آنان که در این قافله نور جان و سر باختند! خوشا به حال آن هایی که این گوهرها را در دامن خود پروراندند! خداوندا، این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز، و ما را هم از وصول به آن محروم مکن. خداوندا، کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه اند و نیازمند به مشعل شهادت، تو خود این چراغ پر فروغ را حافظ و نگهبان باش. خوشا به حال شما ملت! خوشا به حال شما زنان و مردان! خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده های معظم شهدا! و بدا به حال من که هنوز مانده ام و جام زهرآلود

قبول قطعنامه را سر کشیده ام، و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می کنم. و بدا به حال آنانی که در این قافله نبودند! بدا به حال آن هایی که از کنار این معرکه بزرگ جنگ و شهادت و امتحان عظیم الهی تا به حال ســـاکت و بی تفاوت و یا انتقاد کننده و پرخاشـــگر گذشتند!

آری، دیروز روز امتحان الهی بود که گذشت. و فردا امتحان دیگری است که پیش می آید. و همه ما نیز روز محاسبه بزرگتری را در پیش رو داریم. آن هایی که در این چند سال مبارزه و جنگ به هر دلیلی از ادای این تکلیف بزرگ طفره رفتند و خودشـــان و جان و مال و فرزندانشان و دیگران را از آتش حادثه دور کرده اند مطمئن باشند که از معامله با خدا طفره رفته اند، و خســـارت و زیان و ضرر بزرگی کرده اند که حسرت آن را در روز واپسین و در محاسبه حق خواهند کشید. که من مجددا به همه مردم و مسئولین عرض می کنم که حســـاب این گونه افراد را از حســـاب مجاهدان در راه خدا جدا سازند، و نگذارند این مدعیان بی هنر امروز و قاعدین کوته نظر دیروز به صحنه ها برگردند. من در میان شما باشم و یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می کنم که نگذارید انقلاب به دست نااهلان و نامحرمان بیفتد. نگذارید پیشکسوتان شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره خود به فراموشی سپرده شوند. اکیدا به ملت عزیز ایران سفارش می کنم که هوشیار و مراقب باشید، قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران به معنای حل مسئله جنگ نیست.

مسلم خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است. خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است. و خدا می داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست، و این ملت ها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود. و همین تربت پاك شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود.

با اعلام این تصمیم، حربه تبلیغات جهانخواران علیه ما کند شده است، ولی دورنمای حوادث را نمی توان به طور قطع و جدی پیش بینی نمود. و هنوز دشمن از شرارت ها دست برنداشته است، و چه بسا با بهانه جویی ها به همان شیوه های تجاوزگرانه خود ادامه دهد. ما باید برای دفع تجاوز احتمالی دشمن آماده و مهیا باشیم. و ملت ما هم نباید فعلا مسئله را تمام شده بداند. البته ما رســـما اعلام می کنیم که هدف ما تاکتیك جدید در ادامه جنگ نیست. چه بسا دشمنان بخواهند با همین بهانه ها حملات خود را دنبال کنند. نیروهای نظامی ما هرگز نباید از کید و مکر دشمنان

غافل بمانند. در هر شرایطی باید بنیه دفاعی کشور در بهترین وضعیت باشد. مردم ما، که در طول سال های جنگ و مبارزه ابعاد کینه و قساوت و عداوت دشمنان خدا و خود را لمس کرده اند، باید خطر تهاجم جهانخواران در شیوه ها و شکل های مختلف را جدی تر بدانند. و فعلا چون گذشته تمامی نظامیان، اعم از ارتش و سپاه و بسیج در جبهه ها برای دفاع در برابر شیطنت استکبار و عراق به ماموریت های خود ادامه دهند.

در صورتی که این مرحله از حادثه انقلاب را با همان شـــکل خاص و مقررات مربوط به خود پشـــت سر گذاردیم برای بعد از آن و سازندگی کشور و سیاست کل نظام و انقلاب تذکراتی دارم که در وقت مناسب خواهم گفت. ولی در مقطع کنونی به طور جد از همه گویندگان و دست اندرکاران و مسئولین کشور و مدیران رســـانه ها و مطبوعات می خواهم که خود را از معرکه ها و معرکه آفرینی ها دور کنند، و مواظب باشـــند که ناخودآگاه آلت دست افکار و اندیشه های تند نگردند، و با سعه صدر در کنار یکدیگر مترصد اوضاع دشـــمنان باشند. در این روزها ممکن است بســـیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و بایدها و نبایدها کنند. هر چند این مسئله به خودی خود یك ارزش بسیار زیباست، اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست.

چه بســـا آن هایی که تا دیروز در برابر این نظام جبهه گیری کرده بودند و فقط به خاطر سقوط نظام و حکومت جمهوری اســـلامی ایران از صلح و صلح طلبی به ظاهر دم می زدند، امروز نیز با همان هدف سخنان فریبنده دیگری را مطرح نمایند، و جیره خواران استکبار، همان ها که تا دیروز در زیر نقاب دروغین صلح، خنجرشان را از پشت به قلب ملت فرو کرده بودند، امروز طرفدار جنگ شوند. و ملی گراهای بی فرهنگ برای از بین بردن خون شهدای عزیز و نابودی عزت و افتخار مردم، تبلیغات مسموم خویش را آغاز نمایند. که انشاءاللّه ملت عزیز ما با بصیرت و هوشیاری جواب همه فتنه ها را خواهد داد. من باز می گویم که قبول این مسئله برای من از زهر کشنده تر است، ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم. و نکته ای که تذکر آن لازم است این است که در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران به اتکای خود تصمیم گرفته اند.

و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است. مردم عزیز و شریف ایران، من فرد فرد شما را چون فرزندان خویش می دانم و شما می دانید که من به شما عشق می ورزم و شما را می شناسم، شما هم مرا می شناسید. در شرایط کنونی آن چه موجب امر شد تکلیف الهی ام بود. شما می دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم، اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم گذشتم و اگر آبرویی داشته ام با خدا معامله کرده‌ام. عزیزانم، شما می دانید که تلاش کرده ام که راحتی خود را بر رضایت حق و راحتی شما مقدم

ندارم.

خداوندا، تو می دانی که ما سر سازش با کفر را نداریم. خداوندا، تو می دانی که اســـتکبار و امریکای جهانخوار گل های باغ رسالت تو را پرپر نمودند. خداوندا، در جهان ظلم و ستم و بیداد، همه تکیه گاه ما تویی ، و ما تنهای تنهاییم و غیر از تو کسی را نمی شناسیم و غیر از تو نخواسته ایم که کسی را بشناسیم. ما را یاری کن، که تو بهترین یاری کنندگانی. خداوندا، تلخی این روزها را به شیرینی فرج حضرت بقیةاللّه – ارواحنا لتراب مقدمه الفداء – و رســـیدن به خودت جبران فرما. فرزندان انقلابی ام، ای کسانی که لحظه ای حاضر نیستید که از غرور مقدستان دست بردارید، شما بدانید که لحظه لحظه عمر من در راه عشق مقدس خدمت به شما می گذرد.

می دانم که به شما سخت می گذرد، ولی مگر به پدر پیر شما سخت نمی گذرد؟ می دانم که شهادت شیرینتر از عسل در پیش شماست، مگر برای این خادمتان اینگونه نیست؟ ولی تحمل کنید که خدا با صابران است.

بغض و کینه انقلابی تان را در ســـینه ها نگه دارید، با غضب و خشـــم بر دشمنانتان بنگرید و بدانید که پیروزی از آن شماست. و تاکید می کنم که گمان نکنید که من در جریان کار جنگ و مسئولان آن نیستم. مسئولین مورد اعتماد من می باشند. آن ها را از این تصمیمی که گرفته اند شماتت نکنید، که برای آنان نیز چنین پیشنهادی سخت و ناگوار بوده است. که انشاءاللّه خداوند همه ما را موفق به خدمت و رضایت خود فرماید. من در این جا به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه ها و ذخیره های عظیم الهی و به این گل های معطر و نوشکفته جهان اسلام، سفارش می کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید، و خودتان را برای یك مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید. و من به همه مســـئولین و دست اندرکاران سفارش می کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید، و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزش ها و نوآوری ها همراهی کنید، و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید.

مبادا اساتید و معلمینی که به وسیله معاشرت ها و مسافرت به جهان به

من در این جا به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه ها و ذخیره های عظیم الهی و به این گل های معطر و نوشکفته جهان اسلام، سفارش می کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید، و خودتان را برای یك مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید. و من به همه مسئولین و دست اندرکاران سفارش می کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید

اصطلاح متمدن، جوانان ما را که تازه از اســـارت و استعمار رهیده اند، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشـــرفت و استعداد خارجی ها بت بتراشند و روحیه پیروی و تقلید و گدا صفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. به جای این که گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه ورسم استقلال را زنده نگه دارند. ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته ایم آن همه هنرآفرینی و اختراعات و پیشرفت ها داشته باشیم.

انشـــاءاللّه در شرایط بهتر زمینه کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می سازیم. مبارزه علمی برای جوانان زنده کردن روح جســـتجو و کشف واقعیت ها و حقیقت هاست. و اما مبارزه عملی آنان در بهترین صحنه های زندگی و جهاد و شهادت شکل گرفته است. و نکته دیگری که از باب نهایت ارادت و علاقه ام به جوانان عرض می کنم این اســـت که در مســـیر ارزش ها و معنویات از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید، و هیچگاه و تحت هیچ شرایطی خود را بی نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید.

روحانیون مبارز و متعهد به اسلام در طول تاریخ و در سخت ترین شرایط همواره با دلی پر از امید و قلبی سرشار از عشق و محبت به تعلیم و تربیت و هدایت نسلها همت گماشته اند و همیشه پیشتاز و سپر بلای مردم بوده اند، بر بالای دار رفته اند و محرومیت ها چشیده اند ، زندان ها رفته اند و اسارت ها و تبعیدها دیده اند، و بالاتر از همه ، آماج طعنه ها و تهمت ها بوده اند، و در شرایطی که بسیاری از روشنفکران در مبارزه با طاغوت به یاس و ناامیدی رسیده بودند، روح امید و حیات را به مردم برگرداندند و از حیثیت و اعتبار واقعی مردم دفاع نموده اند، و هم اکنون نیز در هر سنگری از خطوط مقدم جبهه گرفته تا مواضع دیگر، در کنار مردمند، و در هر حادثه غم بار و مصیبت آفرینی شهدای بزرگواری را تقدیم نموده اند. در هیچ کشور و انقلابی جز انقلاب بعثت و رسالت و زندگی ائمه هدی-علیهم السلام - و انقلاب اسلامی ایران سراغ نداریم که رهبران انقلاب آنقدر آماج حملات و کینه ها گردند. و این به خاطر صداقت و امانت داری است که در وجود علمای متعهد اسلام متبلور است.

مسئولیت پذیری در کشوری که با محاصره ها و مشکلات اقتصادی و سیاسی و نظامی مواجه است کار مشکلی است. البته روحانیون متعهد کشور ما باید خودشان را برای فداکاری های بیشتر آماده کنند، و در مواقع لزوم و ضرورت از آبرو و اعتبار خود برای حفظ آبروی اسلام و خدمت به محرومان و پابرهنگان استفاده کنند. و جای بسی سپاس و امتنان است که ملت رشید و دلاور ایران قدر خادمان واقعی خود را می شناسد، و فلسفه عشق و ارادت خود را به این نهاد مقدس در یك کلمه خلاصه می کند.

علما و روحانیون متعهد اســـلام هرگز به آرمان و اصالت و عقیده و هدف اســـلامی ملت خیانت نکرده و نمی کنند. البته تذکر این نکته لازم است که در تمام نوشته ها و صحبت ها هر وقت نام روحانیت را به

میان آورده ام و از آنان قدردانی نموده ام، مقصودم علمای پاك و متعهد و مبارز اســـت، که در هر قشری ناپاك و غیرمتعهد وجود دارد. و روحانیون وابسته ضررشان از هر فرد ناپاك دیگر بیشتر است. و همیشه این دسته از روحانیون مورد لعن و نفرین خدا و رسول و مردم بوده اند، و ضربات اصلی را به این انقلاب، روحانیون وابسته و مقدسماب و دین فروش زده اند و می زنند. و روحانیون متعهد ما همواره از این بی فرهنگ ها متنفر و گریزان بوده اند.

من به صراحت می گویم ملی گراها اگر بودند، به راحتی در مشـــکلات و سختی ها و تنگناها دست ذلت و سازش به طرف دشمنان دراز می کردند، و برای این که خود را از فشارهای روزمره سیاسی برهانند، همه کاسه های صبر و مقاومت را یك جا می شکستند و به همه میثاق ها و تعهدات ملی و میهنی ادعایی خود پشت پا می زدند. کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهانخواران را نمی دانیم. ولی هیهات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند!

البته ما مطمئنیم که در همین شرایط نیز آن ها که با روحانیت اصیل کینه دیرینه دارند و عقده ها و حسادت های خود را نمی توانند پنهان سازند آنان را به باد ناسزا گیرند. ولی در هر حال آن چیزی که در سرنوشت روحانیت واقعی نیست سازش و تسلیم شـــدن در برابر کفر و شرك است. که اگر بندبند اســـتخوان هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله های آتشمان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هرگز امانامه کفر و شرك را امضا نمی کنیم.

علما و روحانیون انشاءاللّه به همه ابعاد و جوانب مسئولیت خود آشنا هستند ولـــی از باب تذکر و تاکید عرض می کنم امروز که بســـیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی مان احساس می کنند که می توانند اندیشـــه های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، با روی گشاده و آغوش باز حرف های آنان را بشنوند. و اگر بیراهه می روند، با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان آن

مسئولیت پذیری در کشوری که با محاصره ها و مشکلات اقتصادی و سیاسی و نظامی مواجه است کار مشکلی است. البته روحانیون متعهد کشور ما باید خودشان را برای فداکاری های بیشتر آماده کنند، و در مواقع لزوم و ضرورت از آبرو و اعتبار خود برای حفظ آبروی اسلام و خدمت به محرومان و پابرهنگان استفاده کنند. و جای بسی سپاس و امتنان است که ملت رشید و دلاور ایران قدر خادمان واقعی خود را می شناسد، و فلسفه عشق و ارادت خود را به این نهاد مقدس در یك کلمه خلاصه می کند.

ها دهید. و باید به این نکته توجه کنید که نمی شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فورا انگ التقاط و انحراف بر نوشته هاشان زد و همه را یك باره به وادی تردید و شك انداخت.
این ها که امروز این گونه مسائل را عنوان می کنند مسلما دلشان برای اسلام و هدایت مسلمانان می تپد، و الا داعی ندارند که خود را با طرح این مسائل به دردسر بیندازند. این ها معتقدند که مواضع اسلام در موارد گوناگون همانگونه ای است که خود فکر می کنند. به جای پرخاش و کنار زدن آنها با پدری و الفت با آنان برخورد کنید. اگر قبول هم نکردند، مایوس نشوید. در غیراین صورت خدای ناکرده به دام لیبرال ها و ملی گراها و یا چپ و منافقین می افتند، و گناه این کمتر از التقاط نیست.
وقتی ما می توانیم به آینده کشور و آینده سازان امیدوار شویم که به آنان در مسائل گوناگون بها دهیم، و از اشتباهات و خطاهای کوچك آنان بگذریم، و به همه شیوه ها و اصولی که منتهی به تعلیم و تربیت صحیح آنان می شود احاطه داشته باشیم. فرهنگ دانشگاهها و مراکز غیرحوزه ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیت ها بیشتر عادت کرده است، تا فرهنگ نظری و فلسفی. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله ها، حوزه و دانشگاه درهم ذوب شوند، تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیع تر گردد. نکته دیگر این که من اکثر موفقیت های روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسلامی در ارزش عملی و زهد آنان می دانم. و امروز هم این ارزش نه تنها نباید به فراموشی سپرده شود، که باید بیشتر از گذشته به آن پرداخت. هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست. و هیچ وسیله ای هم نمی تواند بدتر از دنیاگرایی ،روحانیت را آلوده کند. چه بسا دوستان نادان یا دشمنان دانا بخواهند با دلسوزی های بی مورد مسیر زهدگرایی آنان را منحرف سازند، و گروهی نیز مغرضانه یا ناآگاهانه روحانیت را به طرفداری از سرمایه داری و سرمایه داران متهم نمایند.
در این شـــرایط حساس و سرنوشت سازی که روحانیت در مصدر امور کشور است و خطر سوءاستفاده دیگران از منزلت روحانیون متصور است، باید بشدت مواظب حرکات خود بود. چه بسا افرادی از سازمان ها و انجمن ها و تشکیلات سیاسی و غیر آنها با ظاهری صددرصد اسلامی بخواهند به حیثیت و اعتبار آنان لطمه وارد سازند، و حتی علاوه بر تامین منافع خود، روحانیت را رو در روی یکدیگر قرار دهند.
البته آن چیزی که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات دیگران از میدان به در روند حمایت از محرومین و پا برهنه هاست، چرا که هر کسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده اســـت. ما باید تحت هر شـــرایطی خود را عهده دار این مسئولیت بزرگ بدانیم. و در تحقق آن اگر کوتاهی بنماییم، خیانت به اسلام و مسلمین کرده ایم. در خاتمه ، از پیشگاه مقدس پروردگار، که الطاف بیکران خود را بر این ملت ارزانی داشته است، تشکر و قدردانی می کنم. و از محضر مقدس بقیةاللّه – ارواحنا فداه – عاجزانه می خواهیم که ما را در مســـیر و هدفمان مدد و رهبری فرماید. خداوند متعال

به خانواده های شهدا صبر و اجر، و به مجروحین و معلولین شفا عنایت فرماید، و اسرا و مفقودین را به وطن خویش باز گرداند. خداوندا، از تو می خواهیم آنچه را مصلحت اسلام و مسلمین است را برای ما مقدر فرمایی. انك قریب مجیب.

والسلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته.

پنجم ذیحجه ۴۰۸

۶۷/۴/۲۹

روح‌الله‌الموسوی‌الخمینی

۱- سوره فتح، آیه ۲۷: هر آینه خداوند حقیقت خواب رسولش را آشکار ساخت که حتما شما مؤمنین) به خواست خدا، با دل ایمن وارد مسجدالحرام خواهیدشد.

۲- بخشی از آیه ۲۷ سوره حج: و مردم را به انجام مناسك حج ندا ده تا پیاده و سواره از دورترین نقاط به سوی تو گرد آیند.

۳- فتوا دهندگان.

۴- از علمای بنی اسرائیل که در حق حضرت موسی بدی کرد و به مخالفت او برخاست.

در این شرایط حساس و سرنوشت سازی که روحانیت در مصدر امور کشور است و خطر سوءاستفاده‌دیگران از منزلت روحانیون متصور است، باید بشدت مواظب حرکات خود بود. چه بسا افرادی از سازمان ها و انجمن ها و تشکیلات سیاسی و غیر آنها با ظاهری صددرصد اسلامی بخواهند به حیثیت و اعتبار آنان لطمه وارد سازند، و حتی علاوه بر تامین منافع خود، روحانیت را رو در روی یکدیگر قرار دهند.

فرمان امام(ره) مبنی بر تشکیل بسیج دانشجو و طلبه

متن کامل پیام امام‌خمینی(ره) به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحیم

تشکیل بسیج در نظام جمهوری اسلامی ایران، یقیناً از برکات و الطاف جلیه خداوند تعالی بود که بر ملت عزیز و انقلاب اسلامی ایران ارزانی شد.

در حوادث گوناگون پس از پیروزی انقلاب خصوصاً جنگ، بودند نهادها و گروه‌های فراوانی که با ایثار و خلوص و فداکاری و شهادت‌طلبی، کشور و انقلاب را بیمه کردند ولی حقیقتاً اگر بخواهیم مصداق کاملی از ایثار و خلوص و فداکاری و عشق به ذات مقدس حق و اسلام را ارائه دهیم، چه کسی سزاوارتر از بسیج و بسیجیان خواهند بود.

بسیج شجره طیبه و درخت تناور و پرثمری است که شکوفه‌های آن بوی بهار وصل و طراوات یقین حدیث عشق می‌دهد. بسیج مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گلدسته‌های رفیع آن اذان شهادت و رشادت سر داده‌اند.

بسیج میقات پابرهنگان و معراج اندیشه پاک اسلامی است که تربیت‌یافتگان آن، نام و نشان در گمنامی و بی‌نشانی گرفته‌اند. بسیج لشکر مخلص خداست که دفتر تشکل آن را همه مجاهدان از اولین تا آخرین امضا نموده‌اند.من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می‌خورم و از خدا می‌خواهم تا با بسیجیانم محشور گرداند چرا که در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجی‌ام.

من مجدداً به همه ملت بزرگوار ایران و مسئولین عرض می‌کنم چه در جنگ و چه در صلح، بزرگ‌ترین ساده‌اندیشـــی این است که تصور کنیم جهان‌خواران خصوصاً آمریکا و شوروی از ما و اسلام عزیز دست برداشته‌اند. لحظه‌ای نباید از کید دشمنان غافل بمانیم. در نهاد و سرشت آمریکا و شوروی کینه و دشمنی با اسلام ناب محمدی –صلی الله علیه و آله و سلم– موج می‌زند.

باید برای شکســـتن امواج طوفان‌ها و فتنه‌ها و جلوگیری از سیل آفت‌ها به سلاح پولادین صبر و ایمان مسلح شویم. ملتی که در خط اسلام ناب محمدی – صلی الله علیه و آله و سلم– و مخالف با استکبار و پول‌پرستی و تحجرگرایی و مقدس‌نمایی است، باید همه افرادش بسیجی باشند و فنون نظامی و دفاعی لازم را بدانند چرا که در هنگامه خطر، ملتی سربلند و جاوید است که اکثریت آن آمادگی لازم رزمی را داشته باشد.

خلاصه کلام، اگر بر کشوری ندای دلنشین تفکر بسیجی طنین اندازد، چشم طمع دشمنان و جهان‌خواران از آن دور خواهد گردید و الا هر لحظه باید منتظر حادثه باشیم. بسیج باید مثل گذشته و با قدرت و اطمینان خاطر به کار خود ادامه دهد. امروز یکی از ضروری‌ترین تشکل‌ها، بسیج دانشجو و طلبه است. طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاه‌ها باید با تمام توان خود در مراکزشان از انقلاب و اسلام دفاع کنند، فرزندان بسیجی‌ام در این مراکز، پاسدار اصول تغییر ناپذیر "نه شرقی و نه غربی" باشند.

امروز دانشگاه و حوزه از هر محلی بیشتر به اتحاد و یگانگی احتیاج دارند. فرزندان انقلاب به هیچ وجه نگذارند ایادی آمریکا و شوروی در آن دو محل حساس نفوذ کنند. تنها با بسیج است که این مهم انجام می‌پذیرد. و مسائل اعتقادی بسیجیان به عهده این دو پایگاه علمی است. حوزه علمیه و دانشگاه باید چارچوب های اصیل اسلام ناب محمدی را در اختیار تمامی اعضای بسیج قرار دهند.

باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است. چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست. باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد. شما در جنگ تحمیلی نشان دادید که با مدیریت صحیح و خوب می‌توان اسلام را فاتح جهان نمود.

شما باید بدانید که کارتان به پایان نرسیده است. انقلاب اسلامی در جهان نیازمند فداکاری‌های شماست. مسؤولین تنها با پشتوانه شماست که می‌توانند به تمامی تشنگان حقیقت و صداقت اثبات کنند که بدون آمریکا و شوروی می‌شود به زندگی مسالمت‌آمیز توأم با صلح و آزادی رسید. حضور شما در صحنه‌ها موجب می‌شود که ریشه ضد انقلاب در تمامی ابعاد از بیخ و بن قطع گردد.

من دست یکایک شما پیشگامان رهایی را می‌بوسم و می‌دانم که اگر مسؤولین نظام اسلامی از شما غافل شوند به آتش دوزخ الهی خواهند سوخت. بار دیگر تأکید می‌کنم که غفلت از ایجاد ارتش بیست میلیونی، سقوط در دام دو ابرقدرت جهانی را به دنبال خواهد داشت. من از تمامی بسیجیان خصوصا از فرماندهان عزیز آن تشکر می‌کنم و از دعای خیر برای این فرزندان با وفای اسلام غفلت نخواهم نمود.

خداوند شهدای عزیز و گمنام بسیج را به نعمت همجواری اهل بیت -علیهم السلام- متنعم و جانبازان عزیز را شفا و اسرا و مفقودین عزیز را سالم به اوطانشان بازگرداند و هر روز بر عظمت و شوکت این نهاد مقدس و مردمی که پیروان اسلام عزیز و حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا لمقدمه الفدا هستند، بیفزاید.

والسلام علیکم و رحمه‌الله

دوم آذرماه سال ۱۳۶۷

روح‌الله الموسوی الخمینی

لیست جزوات "سطح یک"

۱- اسلام ناب
۲- حیات الاحکام
۳- دین همه دین است
۴- جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی
۵- سیرت و صورت انقلاب
۶- منشور روحانیت و خطبه منا
۷- پیام قطعنامه و پیام تشکیل بسیج دانشجو و طلبه
۸- چه باید کرد؟
۹- جمهوریت
۱۰- قاموس عدالت



اتحادیه جنبش عدالتخواه دانشجویی

www.edalatkhahi.ir

